ذره‌بین

## قتل پیرزن ۷۰ساله برای سرقت یک گردنبند

**شهروند|** کارگر افغانستانی برای پرداخت بدهی‌های خود، نقشه هولناکی را اجرا کرد. او پس از کشتن پیرزن ۷۰ساله یک گردنبند ۱۵میلیون تومانی و ۶۵۰هزار تومان پول نقد را سرقت کرد.

ساعت ۱۷ روز دهم مرداد امسال ماموران کلانتری ۱۲۸ تهران نو در جریان کشف جسد متعلق به پیرزنی ۷۵ساله در محل سکونتش در خیابان باباطاهر دماوند قرار گرفتند. آنها بلافاصله در محل حادثه حضور یافتند و با انجام تحقیقات مشخص شد که دختر مقتول پس از چند روز تماس تلفنی با مادرش و عدم پاسخگویی از سوی وی، به خانه مادرش مراجعه کرده و پس از ورود به خانه با جسد وی در اتاق خواب روبه‌رو شده است.

با توجه به نحوه کشف جسد پیرزن که دست و پا و دهانش بسته بود، ماموران کلانتری اطمینان پیدا کردند که این پیرزن توسط فرد یا افرادی به قتل رسیده است. به همین دلیل بلافاصله موضوع به اداره دهم ویژه قتل پلیس آگاهی و قاضی کشیک ویژه قتل دادسرای امور جنایی اعلام شد. کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران پس از حضور در محل جنایت، به تحقیق از دختر مقتول پرداختند و اطلاع پیدا کردند که یک رشته گردنبند به ارزش تقریبی ۱۵ میلیون تومان که بنا بر اظهارات دختر مقتول همیشه از آن استفاده می‌کرده، در زمان کشف جسد وجود نداشته است. همچنین بررسی‌های نخست به عمل آمده از جسد و محل ارتکاب جنایت حکایت از آن داشت که قاتل یا قاتلان به احتمال بسیار فراوان، پس از ضرب‌وشتم مقتول و تخریب درِ کمدهای دیواری، قصد سرقت اموال باارزش را داشتند اما مقتول از نشان دادن محل نگهداری اموال باارزش خود خودداری کرده است. کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در ادامه رسیدگی به پرونده و با انجام تحقیقات از دیگر اهالی مجتمع مسکونی محل زندگی مقتول یعنی یک مجتمع مسکونی ۴ طبقه که مقتول در طبقه اول آن زندگی می‌کرد، اطلاع پیدا کردند که از چندی پیش جوانی اهل افغانستان به نام «احمد» ۲۲ساله به‌عنوان کارگر خدماتی و برای انجام نظافت به خانه مقتول تردد داشته که این موضوع از سوی دختر مقتول مورد تأیید قرار گرفت.

با شناسایی «احمد» به‌عنوان شخصی که آخرین‌بار به خانه مقتول تردد داشته، تحقیقات از وی در دستور کار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت اما در ادامه مشخص شد که همزمان با وقوع جنایت و کشف جسد مقتول، گوشی تلفن همراه احمد نیز خاموش شده و هیچ‌کس از وی اطلاعی ندارد. در ادامه و با انجام اقدامات پلیسی، کارآگاهان اداره دهم موفق به شناسایی مخفیگاه «احمد» در محدوده میدان امام حسین(ع) در یک ساختمان نیمه‌کاره شدند که در آن‌جا به‌عنوان کارگر ساختمانی مشغول به‌کار شده بود. کارآگاهان با شناسایی دقیق مخفیگاه احمد به این محل مراجعه کردند و روز ۱۶ مهر موفق به دستگیری وی شدند.

«احمد» پس از دستگیری و انتقال به اداره دهم پلیس آگاهی منکر هرگونه ارتکاب جنایت و سرقت از خانه پیرزن شد اما در ادامه اقدامات و تحقیقات پلیسی، سرانجام ساعت ۱۴ روز پنجشنبه ۱۳ آبان به ارتکاب جنایت و فروش گردنبند ۱۵میلیون تومانی و سرقت ۶۵۰هزار تومان پول نقد اعتراف کرد.

سرهنگ حمید مکرم، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران، درباره این پرونده گفت: «با توجه به اعتراف متهم به ارتکاب جنایت، قرار بازداشت موقت از سوی بازپرس پرونده صادر شده و تحقیقات تکمیلی درباره این پرونده در دستور کار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفته است.»

عامل قتل عام خانوادگی شهرک آزادی پیش روی بازپرس پرونده اعترافات تکان‌دهنده‌ای داشت

# التماس‌های کودکانه به مادر قاتل

پدر قاتل در گفت‌وگو با «شهروند»: دخترم مشکلات روحی داشت

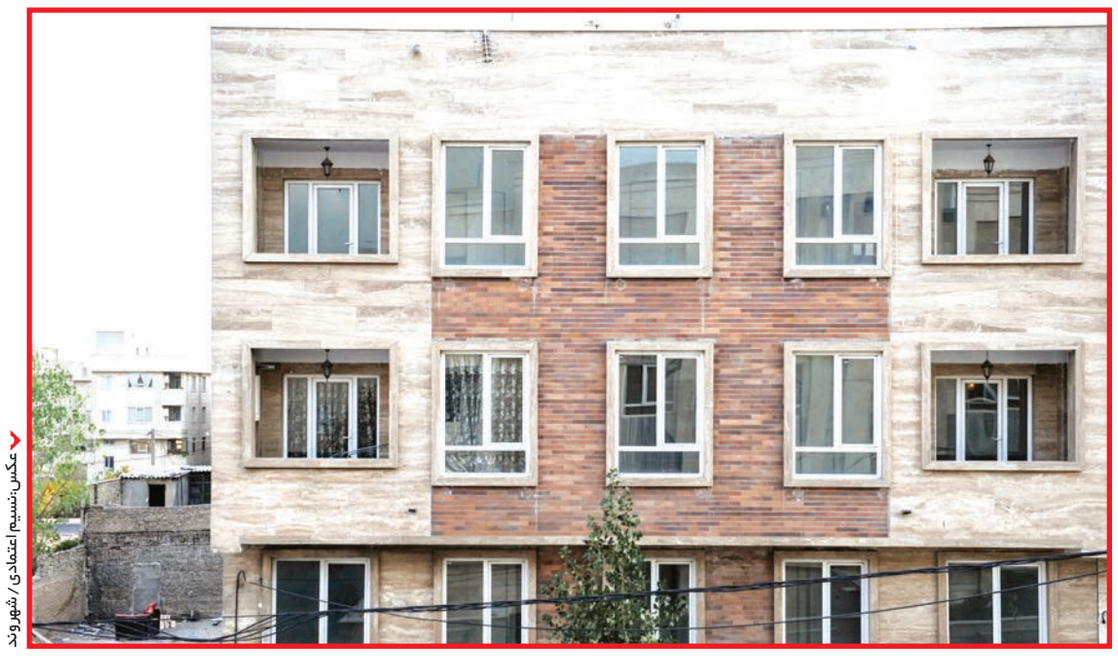

عکس: نسیم اعتمادی / شهروند

پدر فرزانه در دادسرا

فاطمه مهیا مازیار

**امیرحسین خواجوی|** ۲۴ساعت از قتل عام خانوادگی شهرک آزادی می‌گذرد. قتل عامی که عامل آن یک زن ۳۲ساله بود. انگیزه‌اش هنوز به صورت کامل مشخص نیست اما هرچه هست، یک مادر با کشتن بچه‌ها و همسرش جنایتی تلخ را در غرب پایتخت رقم زده است. حالا خودش در بیمارستان فیاض‌بخش بستری است، چراکه می‌خواست به زندگی خودش نیز پایان دهد، اما موفق نشد. در این سناریوی بی‌رحمانه، همسر ۴۰ساله، دختر و پسر ۱۱ و ۴ساله‌اش با ضربات چاقو جان باخته‌اند، اما مهیا دختر ۱۰ ساله‌اش توانسته از ضربات مرگبار مادرش، جان سالم به در برد. تحقیقات قضائی در این پرونده در حالی مورد بررسی قرار می‌گیرد که در ۳۰ سال اخیر زنی به تنهایی دست به قتل عام خانوادگی نزده است.

ساعت ۱۲ ظهر روز جمعه بود که صدای فریادهای ۳ کودک خانه طبقه دوم خیابان تیر شهرک آزادی همسایه‌ها را شوکه کرد. صداها آرام نمی‌گرفتند. آنها خود را به واحد شماره ۴ رساندند، اما با دربسته روبه‌رو شدند. فریادها حکایت هولناکی داشت. حکایتی مثل یک جنایت. دیگر فقط سکوت در آپارتمان موج می‌زد. نشانه‌ها همه تلخ بودند که همسایه‌ها به زور وارد خانه فرزانه شدند. مادری که پس از ۱۲ سال زندگی حالا قاتل شده بود. صحنه‌ها وحشتناک بودند. فرزانه قصد داشت زندگی‌اش را با چاقو پایان دهد اما درمحاصره همسایه‌ها قرار گرفت. خانه غرق خون بود. شیشه‌های شکسته در نقطه نقطه خانه دیده می‌شد و رد خون کودکان و همسرش روی وسایل خانه.

### ادعاهای مادر قاتل

فرزانه یک روز پس از این حادثه خونین درنخستین اظهاراتش پس از ارتکاب به این جنایت هولناک به محسن مدیرروستاباز پرس شعبه ششم دادسرای امور جنایی تهران گفت: «صبح جمعه حدود ساعت ۱۰ صبح شوهرم را بیدار کردم که صبحانه بخورد، اما او پتو را روی صورتش کشید و به من گفت برو من خودم می‌آیم. من خیلی عصبی شدم به آشپزخانه رفتم و چاقو را برداشتم و به سرعت به اتاق رفتم و محکم چاقو را به پشتش فرو کردم، همسرم بلافاصله از شدت درد بلند شد، به گوشه اتاق رفت. خیلی ترسیده بود، مدام به من می‌گفت که او را نزنم ولی من خیلی عصبی بودم، چند ضربه دیگر به سمتش پرتاب کردم، رنگش سفید شده بود، پرده‌های اتاق را چنگ می‌زد تا زمین نخورد، بازهم به طرفش چند ضربه دیگر پرتاب کردم، دیگر نتوانست روی پایش بایستد، همان‌طور که پرده را گرفته بود، روی زمین افتاد، من نزدیک‌تر رفتم دیدم صورتش مثل گچ سفید شده، مطمئن شدم که مرده. من هم همان پتو را روی بدنش انداختم و از اتاق خارج شدم.»

این زن ۳۲ساله در ادامه اظهاراتش نحوه قتل فرزندانش را هم این گونه توضیح داد: «وقتی از اتاق خواب بیرون آمدم، بچه‌ها را صدا زدم تا چایی بخورند، اما هیچ‌کدام به حرف من گوش ندادند، من هم یک لیوان چایی برای خودم ریختم و خوردم، بعد از آن با همان چاقویی که همسرم را کشته بودم، به سراغ بچه‌ها رفتم. درست یادم نیست ولی فکر می‌کنم اول از همه به مهیا حمله کردم، مهیا جیغ می‌زد و التماس می‌کرد مامان من رو نزن، بعدش هم سراغ فاطمه و مازیار رفتم و آنها جیغ می‌کشیدند و می‌گفتند نزن. از دست من فرار می‌کردند و من هم دنبال آنها می‌دویدم و با چاقو به آنها ضربه می‌زدم، ولی درست یادم نیست که مازیار را زودتر زدم یا فاطمه را، اما وقتی دیدم فاطمه و مازیار روی زمین افتادند، فهمیدم که همه آنها را کشتم. بعدش شروع کردم به خردکردن و شکستن وسایل خانه. هرچیزی دم دستم بود را پرتاب می‌کردم، همه چیز را شکستم، می‌خواستم خودم را هم بکشم، به سمت پنجره رفتم تا خودم را به بیرون پرتاب کنم، اما یک رهگذر از کوچه به من گفت خانم دست و پایت می‌شکند برو عقب، من هم جاروبرقی را به بیرون پرتاب کردم، بعد هم با همان چاقو می‌خواستم خودم را بکشم که همسایه‌ها در را شکستند و چاقو را از من گرفتند.»

این زن پس از این اظهارات تکان‌دهنده‌اش از روز حادثه درپاسخ به پرسش بازپرس مدیر روستا درباره انگیزه‌اش از این جنایت هولناک گفت: «همسرم می‌خواست با دختر دیگری ازدواج کند. من فکر می‌کنم اصلا با هم ازدواج هم کرده بودند. من چندبار عکس‌هایی هم در تلگرامش دیدم. ماجرا وقتی شروع شد که همسرم ۲ سال پیش ال ۹۰ گرفت. از آن به بعد کم کم رفتارش تغییر کرد. چند وقت پیش هم خودش به من می‌گفت که می‌خواهد با یک دختر ۲۸ساله ازدواج کند. در این چند وقت اخیر هم چندبار سر این موضوع با هم دعوا کردیم. او بعضی از شب‌ها دیر به خانه می‌آمد یا اصلا نمی‌آمد.»

این اظهارات در حالی از سوی فرزانه مطرح می‌شود که بنا به برخی از مستندات متهم سابقه بیماری و اختلالات روانی داشته و چند سالی هم زیر نظر روانپزشک تحت درمان بوده است. فرزانه در اظهاراتش مدعی شد که صداهایی گنگ و مبهمی را می‌شنیده و به همین دلیل هم به مدت ۱۱ سال زیر نظر روانپزشکی در حوالی بلوار کشاورز تحت درمان بوده است، اما پس از بارداری به توصیه پزشکان مصرف داروها را قطع می‌کند و بعد از آن هم دیگر حالت‌های عصبی نداشته و صدایی هم نمی‌شنیده است، اما زمستان سال گذشته بعد از چند مشاجره و درگیری لفظی به توصیه همسرش دوباره به پزشک مراجعه می‌کند. پزشک هم پس از معاینه به فرزانه می‌گوید: باید دوباره دارو مصرف کنی ولی او برخلاف توصیه پزشک از ادامه درمان خودداری می‌کند. محسن مدیرروستا بازپرس شعبه ششم دادسرای امور جنایی تهران درباره سابقه بیماری و اختلالات روانی این مادر قاتل گفت: «این زن درجاتی از افسردگی داشته و تحت‌نظر روانپزشک بوده است، ولی این که افسردگی در قصد و انگیزه وی برای قتل تأثیر داشته، منوط به نظر پزشکی قانونی است.» او درباره علت اصلی این جنایت هولناک هم گفت: «علت اصلی این جنایت هنوز مشخص نیست، ولی قاتل ادعا دارد که همسرم قصد داشت زن دیگری را به همسری خود درآورد که البته این موضوع هم باید بررسی شود.»

اما اختلالات روانی فرزانه موضوعی است که پدر متهم هم به آن اذعان دارد. او که روز گذشته برای پیگیری و آگاهی از چند و چون پرونده دخترش به دادسرای جنایی تهران آمده بود، درباره این پرونده خونین به «شهروند» گفت: «ساعت ۴ بعدازظهر از کلانتری تهرانسر با ما تماس گرفتند. وقتی این خبر را شنیدم، شوکه شدم، باورم نمی‌شد. آنها شب قبلش یعنی پنجشنبه تا ساعت ۱۲ شب خانه ما بودند، بعد هم همسرم به همراه دامادم با ما خداحافظی کردند و رفتند خانه خودشان. دامادم دوشب بود که به خانه نرفته بود. سه‌شنبه و چهارشنبه زن و بچه‌اش تنها در خانه بودند. دخترم با نوه‌هایم چهارشنبه به خانه ما آمدند و پیش ما ماندند. پنجشنبه تولد یکی دیگر از نوه‌هایم بود و دامادم هم آمد پیش ما. من هم چند کلامی به او گفتم، درست نیست که زن جوان با سه تا بچه را تنها بگذاری و شب‌ها خانه نباشی.» او ادامه داد: «البته من از اولش هم با ازدواج دخترم مخالف بودم. دختر من پیش‌دانشگاهی بود که با محسن آشنا شد. کار و بار خوبی داشت. راننده کامیونت بود و محصولات لبنی پخش می‌کرد. آنها مشکل مالی نداشتند، اما من با این وصلت مخالف بودم، چون به هم نمی‌خوردیم، اما دخترم اصرار داشت و محسن هم دست‌بردار نبود.»

براساس اعلام پزشک معالج متهم ظرف دو روز آینده از بیمارستان مرخص شده و برای بررسی سلامتی روحی و روانی در اختیار پزشکی قانونی قرار می‌گیرد. همچنین دستور داده شد پزشکی که فرزانه ادعا می‌کند، تحت درمان او بوده است، به اداره آگاهی احضار شود تا مشخص شود او در گذشته آیا تحت درمان قرار داشته و پرونده پزشکی او بررسی شود. هنوز مشخص نشده است که ارتباط همسر فرزانه با فرد دیگری صحت دارد یا ناشی از توهمات متهم است.

### همسایه‌های قاتل چه گفتند

ابتدای یک کوچه پهن دریکی از بلوارهای شهرک آزادی، یک آپارتمان سه طبقه نوساز با نمای سنگ کرم، ساختمانی با پنجره‌های سفید چهارگوش. در سه ردیف سه تایی. خانه‌ای که دومین قواره از زمین های کوچه ای است که اهالی آن جمعه ظهر شاهد صحنه هولناکی بودند. یک جنایت تکان دهنده. جنایتی که با گذشت دو روز از آن همچنان هم برای اهالی این کوچه و حتی محله های اطراف هم باور کردنی نیست. اهالی این محل هنوز اتفاقات جمعه ظهر را باور ندارند و با تعجب به در و پنجره این خانه نگاه می کنند. خبر قتل شوهر و دو فرزند به دست مادر جنایتکار مثل بمب در شهرک آزادی پیچیده. همین هم شده تا اهالی این منطقه در غرب تهران با پای پیاده یا با ماشین به این کوچه می آیند و با انگشت در و پنجره های این خانه را نشان می دهند. همان پنجره‌ای که فرزانه قصد داشت از آن خودش را به پایین پرتاب کند. همان پنجره‌ای که هنوز لکه‌های خون روی آن خودنمایی می کند. پنجره‌ای که علی یکی از ساکنان این محله فرزانه را با حال و روز آشفته‌ای در چارچوب آن دید: «حوالی ظهر بود. داشتم پیاده به سمت محل کارم می رفتم، که ناگهان یک جاروبرقی جلوی پایم به زمین خورد، بالای سرم را نگاه کردم و دیدم خانمی از پنجره وسطی طبقه دوم من را نگاه می کند، عصبی شدم و داد زدم خانم چه کار می کنی، ولی انگار نه انگار، باندهای سینما خانوادگی را به بیرون پرتاب کرد، چشمم به بدن این خانم که افتاد دیدم همه شکمش غرق خون است، بلافاصله به ۱۱۰ زنگ زدم و موضوع را اطلاع دادم، می خواست خودش را به پایان پرتاب کند، اما با داد و فریادهای ما از این کار منصرف شد.» این ها را علی به «شهروند» می گوید. هنوز هم تعریف کردن اتفاقات آن روز برایش سخت و ناراحت کننده است. او اتفاقات آن روز را این گونه تعریف می کند: «هنوز پلیس نرسیده بود، ولی همه محل جلوی ساختمان جمع شده بودند. چندتا از بچه‌ها داخل خانه رفتند ولی کار از کار گذشته بود.» نخستین کسی که وارد آپارتمان شماره ۶۲ شد، مردی است از کارمندان فرودگاه امام. او ساعت ۱۱:۵۵ ظهر جمعه صداهای وحشتناکی را شنید. پرتاب کردن جاروبرقی از طبقه دوم توجه‌اش را جلب کرد. او به «شهروند» می گوید: «سر کوچه تیر با دوستانم ایستاده بودم و صحبت می کردیم. ناگهان صدای وحشتناکی نظرمان را جلب کرد. در طبقه دوم ساختمانی یک زن ایستاده بود که یک جاروبرقی را از داخل خانه‌اش به بیرون پرتاب کرد. مبهوت کارش مانده بودیم. تصور می کردیم با همسرش مشکل دارد تا این که فریاد زد قصد خودکشی دارد. به طرف ساختمان رفتیم. در پاگرد طبقه دوم ایستادیم. هرچه به در زدیم که در را باز کند، زن جوان پاسخگو نبود. مجبور شدیم در را بشکنیم. وقتی وارد خانه شدیم صحنه‌های فجیعی دیدیم. رد خون در همه خانه وجود داشت. پسر بچه‌ای خونین روی زمین افتاده بود. انگار هنوز زنده بود، اما کمی آن طرف‌تر دختر بچه‌ای دیگر جان باخته بود. زن جوان را به داخل خانه کشیدیم و از خودکشی منصرفش کردیم. مادر جوان که دست و صورتش خونی بود، وقتی آرام نشست ادعا کرد که شوهر و بچه‌هایش را کشته است. وسایل خانه همه شکسته بود. فرش‌های کف اتاق خونی بود و ما هم گیج و مبهوت شده بودیم که وارد اتاق خواب شدیم. درحالی که زن جوان پشت سر هم می گفت که قاتل است، به اتاق خواب رفتم. شوهرش را دیدم که داخل پتو پیچیده شده است. او هم با ضربات چاقو کشته شده بود، اما در همین هنگام دختربچه‌ای دیگر را دیدم که التماس می کرد، کمکش کنیم. صدای خیلی آرامی داشت. او هم چاقو خورده بود اما انگار زنده از این مهلکه گریخته بود. بلافاصله با اداره پلیس و اورژانس تماس گرفتیم که دقایقی بعد صدای آژیر خودروهای پلیس و آتش‌نشانی و اورژانس کوچه را فراگرفت.» یکی دیگر از همسایه‌ها نیز به «شهروند» گفت: «باورمان نمی‌شود زن همسایه‌مان دست به چنین جنایتی زده باشد. می گویند شاید مواد مخدر استفاده کرده باشد اما ما باور نداریم. فرزانه خانم خیلی زن سالمی بود. او حتی سیگار هم نمی کشید. وقتی فرزانه خانم جاروبرقی را پرتاب کرد، تصور کردیم شوخی می کند، اما وقتی خوب دقت کردیم، متوجه شدیم او خونی است. زن جوان قصد خودکشی داشت اما پشیمان شد و فقط فریاد می‌زد که چندنفر از همسایه‌ها به کمکش رفتند و پس از شکستن در خانه‌اش با صحنه هولناکی روبه‌رو شدند.

آثیر

## دستگیری اعضای باند سارقان خودرو با ۱۸۰ سرقت

اعضای باند سارقان حرفه‌ای خودرو و لوازم آن با ۱۸۰ سرقت در شهرستان اسلامشهر دستگیر شد.

در پی وقوع چند سرقت خودرو در سطح شهرستان اسلامشهر، رسیدگی به موضوع به صورت ویژه در دستور کار مأموران کلانتری ۱۱ قرار گرفت. مأموران با انجام اقدامات اطلاعاتی و بکارگیری شگردهای خاص پلیسی، موفق به شناسایی یکی از اعضای باند سرقت‌شده و وی را در عملیاتی غافلگیرانه، حین تردد با خودروی سرقتی در یکی از خیابان‌های اسلامشهر دستگیر کردند. با دستگیری متهم، مشخص شد وی با همکاری ۵نفر دیگر اقدام به سرقت می کرده که مأموران در عملیاتی ضربتی، آنها را نیز دستگیر کردند. سارقان دستگیرشده به ۳۰ سرقت خودرو و ۱۵۰ سرقت لوازم خودرو در شهرستان اسلامشهر اعتراف کردند. در این رابطه دو مالخر نیز که اقدام به خرید لوازم سرقتی می کردند، دستگیر شدند. با شناسایی مالباختگان و دعوت از آنها، تحقیقات تکمیلی انجام و پرونده به همراه شکات جهت سیر مراحل قانونی به مراجع قضائی ارسال شد.

## کلاهبرداری‌های اینترنتی به بهانه ثبت‌نام اربعین

فعالیت سایت‌های جعلی و تقلبی یکی از مهم‌ترین شگردهای مجرمانه‌ای است که در ایام مناسبتی صورت می‌گیرد و عدم آگاهی تعداد زیادی از کاربران، هویت پنهان افراد و نامحدودبودن مرز جغرافیایی، فرصت‌های جدیدی را برای مجرمان فراهم کرده است. زائران هنگام پرداخت هزینه به صورت اینترنتی، نکات ایمنی را رعایت و حتی‌الامکان از مکان‌های مورد اعتماد برای ثبت‌نام و پرداخت‌های اینترنتی استفاده کنند. مجرمان با طراحی سایت‌های شبیه سایت‌های اصلی که درگاه‌های بانکی جعلی نیز دارد، اقدام به سرقت اطلاعات کارت بانکی افراد کرده و برای اخذ اطلاعات حساب شهروندان مثل رمز عبور و اطلاعات بانکی، کاربران را به صفحات جعلی موسوم به فیشینگ می‌کشانند. شهروندان باید مراقب باشند تا در دام سایت‌های جعلی که فقط برای سرقت اطلاعات بانکی افراد راه‌اندازی شده‌اند، نیفتند. سرهنگ اقبالی رئیس پلیس فتا استان البرز با اعلام این خبر گفت: شهروندان از ارایه مدارک هویتی از قبیل گذرنامه به افراد غیرمسئول خودداری کرده و اسکن مدارک خود را نیز در مکان‌های مجاز ثبت‌نام ارسال کنند.

## پایان آدم‌ربایی ۳ میلیاردی در سیستان‌وبلوچستان

۴ عضو یک باند آدم‌ربایی درحالی که قصد خارج کردن گروگان خود را از کشور داشتند، درنقطه صفر مرزی دام پلیس گرفتار شدند. عصر روز جمعه مأموران انتظامی شهرستان زهک از طریق مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ درجریان یک آدم‌ربایی قرار گرفتند که در آن آدم‌ربایان جوان ۲۳ساله را در مقابل خانه‌اش با استفاده از یک خودرو زانتیا به صورت مسلحانه گروگان گرفته و از محل متواری شدند. بررسی‌ها نشان می‌داد آدم‌ربایان که گروگان را به نقطه نامعلومی انتقال داده بودند، ضمن تماس با خانواده فرد ربوده شده، تقاضای ۳میلیارد تومان پول برای آزادی وی کردند. مأموران پلیس با پایش‌های دقیق اطلاعاتی از انتقال فرد ربوده شده به نقطه صفر مرزی توسط آدم‌ربایان برای خروج از کشور و تحت فشار قراردادن خانواده فرد ربوده شده برای پرداخت سریع پول مطلع شدند. بلافاصله پس از اطلاع از موضوع، تیم‌های ویژه عملیاتی پلیس سیستان‌وبلوچستان، طرح‌های عملیاتی و مهار را در تمام محورهایی که احتمال انتقال فرد ربوده شده به خارج از مرز داده می‌شد، به اجرا گذاشته و پس از ساعت‌ها پایش‌های دقیق اطلاعاتی و بهره‌گیری از منابع محلی و همکاری‌های مردمی، مخفیگاه متهمان درنقطه صفر مرزی شناسایی شده و با محاصره منطقه، درعملیاتی ضربتی و غافلگیرانه، هر چهار عضو این باند را درحالی که قصد خارج کردن فرد ربوده شده به خارج از کشور را داشتند، به همراه یک قبضه سلاح جنگی دستگیر کرده و فرد ربوده شده را نیز آزاد کردند.